

امامت سرّ خاتمیت

دکتر عباس جوارشکیان

تهیه: دفتر تحقیقات اسلامی شعبه خراسان رضوی

بیتنا
۱۳۹۴

موضوع:

کلام استدلالی: ۶۸ (کلام و عقاید: ۲۴۶)

گروه مخاطبان:

- تخصص (طالِب و دانشجویان)

شماره انتشار کتاب (چاپ اول): ۲۴۳

مسلسل انتشار (چاپ اول و تجدید چاپ): ۶۸۱۶۰

کتاب‌های دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی / ۸۰

جوارشکیان، عباس، ۱۳۴۰ -

امامت سبز خانمیت / عباس جوارشکیان؛ تهیه دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی - قم؛ مؤسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ

و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۴.

[۲۸۸] ص. - مؤسسه بوستان کتاب؛ ۲۴۳۰. کتاب‌های دفتر تبلیغات اسلامی خراسان رضوی؛ ۸۰ (کلام و عقاید: ۲۴۶.

کلام استدلالی: ۶۸)

ISBN 978-964-09-118-3

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

Dr. Abbas Jawareshkian, Imamate, the Mystery of Finality

ص. ع. به انگلیسی:

کتاب‌نامه: ص. [۲۸۱] - ۲۸۸؛ همچنین به صورت زیرنویس.

۱. محمد(ص)، پیامبر اسلامی، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱۱ - خانمیت. ۲. نبوت. ۳. نبوت - مطالعات تطبیقی. ۴. امامت.

الف. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، شعبه خراسان رضوی. ب. دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، مؤسسه بوستان کتاب.

ج. عنوان.

۲۹۷ / ۴۳

۸ الف ۹ ج / ۲۲۰ BP

شماره کتابشناسی ملی: ۴۱۳۱۶۹۸

۱۳۹۴

- نویسنده: دکتر عباس جوانمیریان • تهیه: دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی
- ناشر: مؤسسه بوستان کتاب
- (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)
- چاپ و صحافی: چاپخانه مؤسسه بوستان کتاب
- نوبت چاپ: اول / ۱۳۹۴ • شمارگان: ۸۵ • بها: ۱۸۰۰۰ تومان

تمامی حقوق © محفوظ است

printed in the Islamic Republic of Iran

- ♦ دفتر مرکزی: قم، خ شهدا (صفائییه)، ص پ ۹۱۷ / ۳۷۱۸۵، تلفن: ۰۷۷-۰۲۷۷۷۰۰۰۰، فکس: ۰۷۷-۰۲۷۷۷۰۰۰۰، نمایندگی: ۰۲۷۷۷۴۲۱۵۴، تلفن پخش: ۰۲۷۷۷۴۲۱۶۶
- ♦ فروشگاه مرکزی: قم، چهارراه شهدا (عرضه ۱۲۰۰۰ عنوان کتاب با همکاری انتشارات سوره مهر)
- ♦ فروشگاه شماره ۲: تهران، خیابان انقلاب، بین وصال و فلسطین، جنب بانک انصار، تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۵۰۰۰۰
- ♦ فروشگاه شماره ۳: مشهد، چهارراه خسروی، مجتمع یاس، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه خراسان رضوی، تلفن: ۰۲۲۳۳۶۷۲
- ♦ فروشگاه شماره ۴: اصفهان، چهار راه کرمانی، جنب دفتر تبلیغات اسلامی شعبه اصفهان، تلفن: ۰۲۶۲۲۰۳۲۰
- ♦ فروشگاه شماره ۵: رنگین کمان، فروشگاه کودک و نوجوان، قم، چهارراه شهدا، جنب خیابان ارم، تلفن: ۰۲۷۷۷۴۲۱۶۶
- ♦ فروشگاه شماره ۶: قم، خیابان معلم، مجتمع ناشران، طبقه همکف، پلاک ۳۷، تلفن: ۰۲۷۸۴۲۵۹۰۰۹۲

اطلاع از تازه های نشر از طریق پیام کوتاه (SMS)، یا ارسال شماره همراه خود به ۰۲۷۷۷۰۰۰۰۰ یا ارسال درخواست به:

پست الکترونیک مؤسسه: E-mail:info@bustaneketab.com

جدیدترین آثار مؤسسه و آشنایی بیشتر با آن در وب سایت: <http://www.bustaneketab.com>

با قدردانی از همکارانی که در تولید این اثر نقش داشته اند:

• اعضای شورای بررسی آثار • دبیر شورای کتاب: جواد آهنگر • سرویراستار: ابوالفضل طریقه دار • ویراستار: حسین برخورداری • چکیده عربی: خلیل المصفاوی • چکیده انگلیسی: یحیی داوری • حروفنگار: سکینه ملازاده • اصلاحات حروفنگاری: لیلا حاج اسماعیلی و منا جمیل پور • صفحه آرایی: حسین محمدی و احمد مؤتمنی • نمونه خوانی: سید رضا هدایتی • کنترل نمونه خوانی: محمد جواد مخلوقی • بازخوانی نهایی متن: نادعلی صالحی • کنترل فنی صفحه آرایی: سیدرضا موسوی منش • کارشناس طراحی و گرافیک: مسمود نجابتی • طراح جلد: مسمود نجابتی • اداره آماده سازی: حمید رضا تیموری • اداره چاپخانه: مجید مهدوی و سایر همکاران لیتوگرافی، چاپ و صحافی • مدیر تولید: عبدالهادی اشرفی.

فهرست مطالب

۱۱	سخنی با خواننده
۱۳	پیش‌گفتار
۱۳	نسبت خاتمیت و امامت
۱۵	طرح مسئله خاتمیت
۱۹	معرفی فصول کتاب
۲۳	ابعاد نوآوری اثر
۲۵	فصل اول: نیاز به دین
۲۵	قلمرو و جایگاه دین در زندگی انسان
۲۹	ضرورت و دوام نیازمندی به دین
۳۰	ادله اثبات ضرورت دین
۳۰	چگونگی نیاز انسان به دین از منظر ادله کلامی و فلسفی نبوت
۳۰	دلیل متکلمان
۳۱	اثبات و تبیین مقدمه اول (لطف بودن ارسال انبیا)

- ۳۲..... اثبات و تبیین مقدمهٔ دوم (و جوب لطف بر خداوند).....
- ۳۸..... ادلهٔ حکما.....
- ۳۹..... استدلال نخست: بقای نوع بشر.....
- ۳۹..... اثبات مقدمات.....
- ۴۴..... استدلال دوم: نیل به سعادت.....
- ۴۷..... سعادت اخروی.....
- ۴۸..... استدلال سوم: نیل به تکامل.....
- ۴۹..... استدلال چهارم: تربیت و تعالی روحی و معنوی انسان.....
- ۵۰..... سلب تربیت انسان.....
- ۵۲..... الف) کمال نهایی و سعادت حقیقی انسان.....
- ۵۶..... ب) لوازم و شرایط نیل به سعادت نهایی.....
- ۵۷..... ج) حوزه توانایی‌های عامه و عملی انسان.....
- ۶۱..... دو ویژگی انحصاری روح انسان.....
- ۶۴..... د) ظرفیت و قابلیت دین در تربیت انسان.....
- ۶۵..... ویژگی‌های مری حقیقی.....
- ۶۸..... جمع‌بندی.....
- ۶۹..... فصل دوم: نیاز حداکثری به دین.....
- ۶۹..... بررسی تلقی حداقلی از دین.....
- ۷۰..... یکم: دین و حداقل‌های لازم برای زندگی انسانی.....
- ۷۲..... دوم: اصل دین، هستهٔ مشترک همهٔ ادیان الهی.....
- ۷۴..... سوم: اساس دیانت و ذاتی دین (مقاصد اصلی شرع).....
- ۷۷..... نیاز حداکثری به دین در ادلهٔ نبوت.....

۸۳ مبانی نظری نگرش حداقلی و حداکثری به دین
۸۴ دلایل حداکثری بودن قلمرو دین
۹۰ لوازم نیاز حداکثری به دین
۹۰ ۱. کمال حداکثری دین
۹۲ ۲. جوهره حداکثری دین
۹۵ ۳. ربط حداکثری علم و دین
۹۷ ۴. اجتهاد حداکثری
۱۰۴ ضرورت اجتهاد با نگرش بر پایه استفاده از همه دانش های بشری
۱۰۸ ۵. سعادت حداکثری
۱۱۰ نخست: سنخ واحد کمالات دنیوی و اخروی
۱۱۰ دوم: آثار دنیوی کمالات اخروی
۱۱۱ سوم: حقیقت معنوی و روحی سعادت دنیوی
۱۱۳ چهارم: وابستگی سعادت دنیوی به سعادت اخروی
۱۱۴ پنجم: سعادت دنیوی مقدمه لازم برای سعادت اخروی
۱۱۷ ششم: مطلوبیت بالعرض سعادت دنیوی
۱۱۹ فصل سوم: فلسفه خاتمیت
۱۱۹ مناظ و ملاک خاتمیت
۱۲۲ اتمام و اکمال وحی در نظریه های خاتمیت
۱۲۴ اتمام و اکمال وحی رکن اصلی و ضروری خاتمیت
۱۲۶ دو رکن اصلی خاتمیت
۱۳۰ بررسی نظریه بلوغ عقلی
۱۳۱ بلوغ عقلی از نظر اقبال

- ۱۳۳..... پایان دیانت
- ۱۳۷..... تفاوت دیدگاه اقبال و شهید مطهری
- ۱۳۸..... نقد و بررسی نظریه بلوغ عقلی
- ۱۳۸..... نقد تلقی اقبال
- ۱۴۰..... نقد نظریه شهید مطهری
- ۱۴۰..... بررسی ویژگی اول (توانایی حفظ کتاب آسمانی)
- ۱۴۵..... بررسی ویژگی دوم (قابلیت پذیرش برنامه کامل)
- ۱۴۶..... بررسی ویژگی سوم (قدرت اجتهاد)
- ۱۴۸..... نقد نظریه امام خمینی در باب بلوغ عقلی
- ۱۵۰..... نقد و بررسی
- ۱۵۱..... نسبت بلوغ عقلی و حرور استقران
- ۱۵۴..... اجتهاد و بلوغ عقلی
- ۱۵۸..... قراین و شواهد عدم بلوغ عقلی بشر در عصابت
- ۱۶۵..... توابع نظریه بلوغ عقلی
- ۱۶۷..... نظریه بلوغ نسبی و مطلق
- ۱۷۰..... تلقی نادرست از دوره غیبت
- ۱۷۴..... کمال و نقص شریعت در دوره غیبت
- ۱۷۹..... امامت سزّ خاتمیت
- ۱۸۲..... مغالطه نبوت و حجیت
- ۱۸۹..... فصل چهارم: مبانی فهم متون وحیانی و قدسی
- ۱۸۹..... مقدمه
- ۱۹۰..... چیستی معنا و راه پی بردن به معانی واژه‌ها

۱۹۳	خواستگاه معنا (صور ذهنی واژه‌ها)
۱۹۶	نحوه مواضعه الفاظ (پایگاه حسی و تجربی وضع)
۱۹۸	وحدت در عین کثرت تعینی معنا
۲۰۲	منزل و جایگاه معنا
۲۰۵	ساز و کار فهم از طریق زبان و کتابت
۲۰۷	نحوه فهم کون و حیانی
۲۱۰	تفاوت متون و حیانی با متون بشری
۲۱۲	مخاطب وحی
۲۱۷	فصل پنجم: تلازم خاتمیت و امامت و فهم دین
۲۱۷	حقیقت قرآن (حقیقت کتاب و کتاب حقایق)
۲۱۹	صاحب مقام تنزیل و تبیین
۲۲۱	خاتمیت و ضرورت استمرار مقام تبیین
۲۲۶	امامت و ضرورت بهره‌مندی از حقایق قرآنی
۲۳۲	اصالت چهرهٔ زبانی وحی
۲۳۶	ادلهٔ ملاک خاتمیت بودن امامت
۲۳۶	۱. دلیل بقا و حفظ وحی
۲۳۷	۲. دلیل تبیین
۲۴۳	۳. دلیل تأویل (مقام راسخون در علم)
۲۴۶	۴. لزوم وجود مرجعیت دینی (حجیت در مقام رفع اختلاف و خطا)
۲۴۶	۵. لزوم وجود حجّت بالغهٔ الهی در زمین
۲۴۷	۶. رهبری و ولایت انسان‌ها (مقام هدایت به امر)
۲۴۸	الف) از حیث تربیت معنوی فردی

۲۴۹ (ب) از حیث رهبری اجتماعی و زمان‌داری جامعه
۲۵۰ ۷. وساطت فیض
۲۵۱ فصل ششم: اجتهاد و امامت
۲۵۱ تفسیر متون و حیانی در پرتو امامت
۲۵۱ واقعیت، زنده و بالفعل مواضعات زبانی
۲۵۴ مؤلف، گران مفسر محور
۲۵۶ تاریخیت فهم
۲۵۹ واقعیت مشترک، راجح‌ترین و فهم
۲۶۱ غیب‌باوری در ساحات متن و روش؛ شرایط روحی و روانی درک متن
۲۶۴ شرایط درک معانی قدسی
۲۶۵ تجربه اتحادی با مؤلف
۲۶۸ ولایت، محور و اساس فهم قرآن
۲۷۲ ولایت
۲۷۵ مؤلفه‌های اساسی اجتهاد
۲۷۶ دفع یک توهم
۲۷۸ خلاصه مطالب فصل
۲۸۱ کتاب‌نامه

سخنی با جوانفنده

در حوزه مطالعات و اندیشه کلامی امروزه بر کسی پنهان نیست که با توسعه و پیشرفت روزافزون دانش بشری در همه جوانب زندگی انسان، گستره وسیع و غیرقابل احصائی از مسائل و مباحث جدید کلامی و فلسفی در تلاقی با آموزه‌های نظری و عملی دین پدید آمده است. گستره‌ای که ورود به آن بسیار فراتر از حوصله و توان فردی است و بدون تردید نیازمند علوم و تخصص‌های متعدد است.

از آن‌جا که محور اصلی آموزه‌های دینی، شخصیت انسان در همه شئون زندگی فردی و اجتماعی و تعاملات او با غیر خود می‌باشد، هیچ‌کس نمی‌تواند در هم تنیدگی واقعیت‌های بیرونی و درونی انسان بر دشواری‌های کلامی و فلسفی این افزوده و ورود به یک حوزه و حتی یک مسئله واحد را نیز نیازمند نگرش‌ها و تحلیل‌های چندجانبه نموده است.

خاتمیت از جمله مسائل کلامی است که علی‌رغم آن‌که به ظاهر مسئله‌ای واحد و فرعی، آن هم با پیشینه‌ای کم‌رنگ در کلام سنتی به نظر می‌رسد، اما با مسائل قابل توجهی از امهات مباحث فلسفه دین و مباحث قدیم و جدید کلامی ارتباط تنگاتنگ دارد؛ به گونه‌ای که تحلیل جامع و شایسته آن در گرو پاسخ‌گویی و تعیین موضع روشن در مواضع مذکور است. مباحثی، همچون: فلسفه نبوت، قلمرو دین، نیاز به

دین، ذاتی و عرضی دین، نسبت علم و دین، سعادت دنیوی و اخروی، امامت و ولایت، اجتهاد در دین، منطوق فهم دین، تفسیر و تأویل متون دینی و.... نویسنده محترم اثر حاضر با اتخاذ مواضع نوآورانه در هر یک از عرصه‌های یادشده و استفاده به جا و سنجیده از مباحث فلسفه دین، فلسفه تعلیم و تربیت، فلسفه نفس، فلسفه اجتماع، کلام و حکمت اسلامی، معناشناسی و دانش هرمنوتیک تلاش نموده است. آرای مشهور در این مسئله مهم کلامی را که در معرض چالش‌های بزرگی قرار دارد، مورد نقد و بررسی قرار دهد و با ارائه تحلیل جدیدی از مناط خاتمیت، دیدگاه خویش را بر این خصوص به کرسی تحقیق بنشاند.

کتاب حاضر در میان آثار متعددی که تاکنون در خصوص خاتمیت از سوی صاحب‌نظران به رشته تحریر درآمده از جهات ذیل حایز اهمیت است:

۱. ارائه تبیین جامعی از ابعاد کلامی مسئله خاتمیت؛
۲. توجه به چالش‌های اساسی دیدگاه‌های رایج و مشهور با باورهای اسلامی و به ویژه، شیعی؛
۳. نقد نظریه بلوغ عقلی به عنوان مناط خاتمیت؛
۴. مطرح کردن «امامت» به عنوان محور، اساس و مناط اصلی خاتمیت و اثبات رابطه ضروری میان باور به خاتمیت و باور به امامت؛
۵. تبیین ضرورت باور به امامت بر پایه مباحث معناشناسی و منطقی فهم متون مقدس؛
۶. ارائه و اتخاذ مواضع و آرای نوآورانه در اغلب مباحث مربوط به مسئله خاتمیت.

دفتر تبلیغات اسلامی، خراسان رضوی

گروه پژوهشی فلسفه و حکمت اسلامی

پیش‌گفتار

نسبت خاتمیت و امامت

خاتمیت یکی از مهم‌ترین اعتقادات اسلامی و شیعی است که به رغم نقش بنیادی‌ای که در برخی از مهم‌ترین مباحث کلامی، چون نبوت و امامت دارد، متأسفانه تاکنون در منابع کلامی اهتمام درخورتری به آن بدن نشده است و فقط به منزله یک مسئله و بحث کلامی بدان پرداخته می‌شود و اساساً در کلام سنتی ما نمی‌توان پیشینه‌ای برای آن یافت، مگر برخی پرسش و پاسخ‌هایی که از محضر ائمه اطهار (علیهم‌السلام) صورت گرفته است و در قالب برخی روایات، در مجامع رایج می‌توان از آن‌ها نشانی به دست آورد.

روشن است که اگر نتوانیم از جرایب و فلسفه ختم نبوت، تبیین معمول و قابل دفاعی عرضه کنیم، ادله اثبات نبوت و ضرورت استمرار دیانت دچار تردید خواهد شد و بر این اساس، نبوت؛ یعنی اساسی‌ترین اصل اعتقادی اسلام بعد از توحید، متزلزل می‌گردد. اهمیت این بحث در منظومه اعتقادی شیعه بسیار فراتر و جدی‌تر است، به طوری که هر تقریری از خاتمیت می‌تواند از دو حیث: نقش تحکیمی و یا تخریبی در مهم‌ترین و اساسی‌ترین اصل اعتقادی شیعه؛ یعنی «امامت» داشته باشد که متأسفانه متکلمان ما تاکنون از این نقش غفلت ورزیده‌اند. تبیین و تحلیلی که از

خاتمیت ارائه می‌شود، هم دقیقاً می‌تواند به گونه‌ای باشد که مبانی نیاز به امام را آشکار سازد و ضرورت امامت را پس از وفات نبی مسلم و مسجل گرداند که به این ترتیب، به مهم‌ترین و محکم‌ترین دلیل عقلی برای حقانیت شیعه تبدیل خواهد شد، زیرا باور به نبوت و خاتمیت، وجه مشترک اعتقادی همه مسلمانان و همه فرقه‌های اسلامی است و هم بر عکس، می‌توان تحلیلی از خاتمیت ارائه کرد که اساساً جایی برای باور به امامت باقی نماند، بلکه به نحو کاملاً متقابل و متعارض جلوه نماید؛ یعنی پذیرش خاتمیت، ملازم با انکار امامت تلقی شود.

در دوره مصر، پرتو اندیشه‌های اقبال لاهوری و شهید مطهری، با بالا گرفتن بحث خاتمیت، هم برخی از تقریرها و تحلیل‌های معارض و نافی امامت به عرصه اذهان و افکار عمومی راه یافت و هم تقریرها و تحلیل‌های نافی تعارض و قائل به سازگاری و توافق، اما تقریر و تبیین از خاتمیت که هم نافی این تقابل و تعارض ادعایی و شبهات مربوط باشد و هم نسبت ضروری میان خاتمیت و امامت را آشکار سازد و ربط وثیق و تخلف‌ناپذیر این دو باور را تحلیل و تبیین نماید، هنوز تقوّم تئوریک نیافته و جای آن در عرصه اندیشه کلامی و دینی معاصر خالی است.

نگارنده بر آن است تا چنین نظریه و تحلیلی از خاتمیت ارائه کند؛ تحلیل و تبیینی که به باور او مهم‌ترین دلیل حقانیت شیعه و محکم‌ترین استدلال امامت بر پایه باورهای مشترک و اصولی همه مسلمانان با هر نوع تفکر و گرایش کلامی و اعتقادی است، زیرا اصل نبوت و باور به خاتمیت بدون هیچ تأویل و تفسیری جزو اعتقاد همه مسلمانان است. در عین حال، چنان‌که خواهد آمد، این بحث پیچیدگی‌های ویژه‌ای دارد که نظریه‌پردازی در این عرصه را برای شیعه به غایت دشوار می‌سازد.

چنان‌که اشاره شد، در نظام اعتقادی و اصول ایمانی شیعه، بحث خاتمیت از دو حیث اهمیت ویژه و بنیادی دارد: نخست حیث عام که به اصل نبوت در

نظام اعتقادی اسلام باز می‌گردد و همه فرقه‌های اسلامی در آن شریکند و دیگر، حیث ویژه و خاص که به اصل امامت در نظام اعتقادی شیعه ارتباط دارد لذا، تبیین خاتمیت از نظر اعتقاد شیعی، پیچیدگی، دقت و ظرافت‌های بیشتری دارد، زیرا می‌بایست با تحلیل و تبیین واحدی، هم اصل نبوت و هم اصل امامت را محکم سازد.

تحلیلی که از خاتمیت برای توجیه عدم استمرار بعثت انبیا ارائه می‌شود، نباید به گونه‌ای باشد که اصل امامت را مخدوش سازد، بلکه برعکس، باید مؤید و مؤکد و حتی مثبت امامت باشد، هم چنین از آن‌جا که شیعه با مشکل غیبت امام معصوم علیه السلام نیز دست به گریبان است، پیچیدگی و ظرافت پاسخ‌گویی و تبیین مسئله خاتمیت با توجه به دوره غیبت، به طریقی مضامین خود را نشان می‌دهد، زیرا هرچه در باب ضرورت نیاز به امام معصوم علیه السلام در کتاب خاتمیت گفته شود، باید به گونه‌ای باشد که بتواند با پدیده غیبت سازگار باشد. بیان دیگر، همان‌گونه که نبایست ختم نبوت، اصل نیاز به نبی را نقض کند، نبایست خاتمیت نیز اصل نیازمندی به امام را مخدوش سازد.

طرح مسئله خاتمیت

به منظور تبیین بیشتر محل نزاع و آشکار شدن بهتر پیچیدگی و اهمیت بحث به اجمال به طرح مسئله می‌پردازیم. ادله اثبات ضرورت نبوت، لزوم استمرار دیانت و دوام نبوت را تا پایان حیات بشر اثبات می‌کند. بر این اساس، به ظاهر خاتمیت، نقضی بر این ضرورت محسوب خواهد شد.

ممکن است در پاسخ گفته شود این نیاز تا زمانی است که بشر خود نمی‌تواند به طور مستقل خردورزی کند و برنامه زندگی خود را تدوین نماید، لذا با آغاز بلوغ عقلی انسان این نیاز نیز پایان می‌پذیرد و به این ترتیب، برنامه استمرار و دوام نبوت‌ها

پایان می‌یابد.^۱ روشن است که این پاسخ - چنان‌که در فصول بعد نیز به تفصیل از آن سخن خواهیم گفت - فقط ختم دیانت نخواهد بود و اصولاً ناقض فلسفه نبوت نیز هست، زیرا ضرورتی که برای بعثت انبیا اثبات می‌شود، بر ناتوانی دائمی انسان از ارائه راه حل و شیوه صحیح زندگی برای نیل به سعادت حقیقی استوار است.

برای این‌که فلسفه نبوت نقض نشود و تبیین ارائه شده به ختم دیانت نینجامد، در برخی دیدگاه‌ها^۲ دلیل اصلی خاتمیت، نه بلوغ عقلی بشر برای ارائه برنامه زندگی خود، بلکه بلوغ عقلی بشر برای فهم دیانت و اجتهاد در دین معرفی شده است، زیرا از سویی، مسأله‌ای در اختیار بشر قرار گرفته است و از سوی دیگر، او خود می‌تواند احکام مورد نیازش را از وحی استنباط کند. از این رو، دیگر نیازی به نبی پایان می‌پذیرد و نبوت ختم می‌شود. مهم‌ترین اشکال این تبیین آن است که جایی برای باور به امامت باقی نمی‌گذارد. وقتی علت اصلی و سر خاتمیت را در بلوغ بشر برای اجتهاد در دین معرفی کردیم، در متن این نظریه، وجود ضرورتی برای باور به امامت باقی نمی‌ماند، مگر آن‌که نقش امام را تکمیل و تکمیل شریعت بدانیم که چنین تلقی‌ای نیز اولاً: ختم نبوت را بی اعتبار می‌سازد، زیرا وحی این نوز به اكمال خود نرسیده و بخشی از شریعت هنوز به بشر ابلاغ نشده است، پایان این نبوت توجیهی ندارد؛ ثانیاً: از حیث ابلاغ شریعت و رساندن احکام الهی به مردم، تمایزی میان امام و نبی باقی نمی‌ماند، پس در حقیقت، ختم نبوت واقع نشده است و فقط نبوت پدید آمده است، نه تفاوت و وظیفه و نقش.

اگر نقش امام را نه تکمیل و تکمیل دین از حیث ابلاغ احکام و تعالیم دینی، بلکه تضمین و تحکیم دین از جهت فهم صحیح و تفسیر معصومانه وحی بدانیم؛ یعنی از سویی، بنا به فرض، سر خاتمیت را کامل شدن وحی و نیل بشر به بلوغ عقلی برای

۱. رک: اقبال لاهوری، احیای تفکر دینی در اسلام.

۲. مانند دیدگاه شهید مطهری در کتاب: ختم نبوت و کتاب: وحی و نبوت.

فهم دین بدانیم و از سوی دیگر، این فهم اجتهادی را مقید و ملتبزم به فهم معصومانه امام از وحی کنیم، در این صورت نیز با این مشکل روبه‌رو خواهیم شد که: اولاً: تضمین فهم دین توسط امام با بلوغ بشر در فهم دین سازگاری ندارد، زیرا باور به بلوغ عقلی؛ یعنی باور به توانایی بشر برای فهم صحیح دین و وحی و تشکیک و تردید در این فهم، معنایی جز تردید در بلوغ عقلی و انکار اجتهاد معتبر ندارد. ثانیاً: بر اساس این که همه خود در مقام توجیه دوره غیبت، بر اجتهادی تأکید می‌کنند که چنین ضمانتی را همراه خود ندارد - چون در دوره غیبت، به فهم معصومانه وحی دسترسی نیست. پس انقضای نقش تضمینی برای امام، به این نقش برای امام در دوره غیبت وفا نکرده و بدان ملتزم نشده است. بر این اساس، مبنای خویش را برای لزوم وجود امام بعد از نبی خاتم الانبیا و اصل امامت را با مخاطره جدی روبه‌رو ساخته است.

ممکن است بیان شود، نقش امام نه تضمین تکمیل شریعت است و نه تضمین فهم صحیح دین، بلکه تفریع و تفصیل اصول دین است و نبی اکرم صلی الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام، در دوره حضور خود، همه احکام مورد نیاز بشر، یا دست‌کم همه اصول مورد نیاز برای اجتهاد در دین را از قرآن استخراج نمودند و در اختیار ما قرار دادند. اگر نقش امام را تفریع و تفصیل اصول دین بدانیم و بر این باور باشیم که همه اصول مورد نیاز برای اجتهاد را ائمه علیهم السلام در دوره حضور خود در اختیار ما قرار داده‌اند، در این صورت در دوره غیبت که دوره اجتهاد است، نیازی به امام باقی نمی‌ماند، هم‌چنین اگر بگوییم همه اصول مورد نیاز برای اجتهاد در دین، در اختیار ما نیست، پس آنچه به نام دین به ما رسیده است، کامل نیست و اجتهاد در دین یا ممکن نیست و یا اگر امکان دارد، در واقع اجتهاد در دین ناقص است و اجتهاد در دین ناقص پاسخ‌گوی نیازهای بشر نخواهد بود؛ به بیان دیگر، باید بگوییم: با چنین دینی در دوره غیبت و عدم دسترسی به امام، یا اجتهاد امکان‌پذیر نیست، یا اجتهاد ناقص است.

چنین نتیجه‌ای نیز علاوه بر آن که اصل ادله ضرورت بعثت انبیا را بی اعتبار می سازد - زیرا ملازم با به حال خود رها شدن بشر در عین نیازمندی او به هدایت الهی است، ضرورت نیاز به امام بعد از وفات نبی مکرم ﷺ را نیز مخدوش می کند، زیرا وقتی چنین امری را در دوره غیبت جایز می دانیم، چرا آن را بعد از وفات نبی ﷺ جایز ندانیم؟!

به این ترتیب آشکار می گردد هر نقشی که به امامت بدهیم، اعم از «تتمیم و تکمیل شرع»، یا تفصیل و تفریع احکام» و یا «تضمین و تحکیم دین» از راه فهم معصومانه وحی، یا توجه به باور شیعه به غیبت امام عصر عجل الله با مشکلاتی روبه رو خواهیم شد که برای حل آن به نهادهای پردازی های جامع تر و قوی تری در باب نبوت و امامت نیازمندیم.

از این رو، لازم است خاتمیت از سه منظر: نیاز به دین، نیاز به امام و بحث اجتهاد، مورد تأمل و نظریه پردازی دقیق و کامل تر تبصیر به یکدیگر قرار گیرد؛ به این ترتیب که: اولاً: در محور نخست (نیاز به دین) نسبت خاتمیت با اصل نبوت و فلسفه بعثت انبیا به گونه ای تبیین شود که اصل نیاز \blacklozenge دین و استمرار آن بعد از نبی خاتم صلوات الله مخدوش نشود؛^۱

ثانیاً: در محور دوم (نیاز به امام)، نسبت خاتمیت به امامت، مورد تبیین قرار گیرد. برای این منظور لازم است نخست نسبت فلسفه امامت با فلسفه نبوت روشن شود و

۱. نخست باید دید ضرورت ابلاغ دین به بشر چیست؟! آیا چنین ضرورتی دایمی است یا موقت؟ سپس به نسبت دین با نبی پرداخت و به این سؤال پاسخ گفت که چه زمان نیاز به نبی پایان می پذیرد و خاتمیت رخ می دهد؟ هم چنین نسبت نبی با دین چیست؟ آیا انبیا تنها نقش واسطه ای و بیرونی با وحی آسمانی داشته اند، یا پیوند عمیق تر و وثیق تری میان نبی با وحی وجود دارد؟ به بیان دیگر، آیا این پیوند از نوع پیوندهای اتفاقی، یا عرضی، یا صوری و بیرونی و انفکاک پذیر است، یا از نوع پیوندهای علی، یا جوهری، یا لزومی است؛ ثالثاً: در هر صورت، چه موقع نیاز به نبی پایان می پذیرد و خاتمیت رخ می دهد؟

در صورتی که پیوند نبی و وحی صوری و موقتی باشد، خاتمیت به چه معناست و در صورتی که این پیوند لزومی و دایمی باشد، خاتمیت چه معنایی می یابد؟

این‌که آیا اساساً امامت در عرض نبوت است، یا در طول آن؟ ادامه و استمرار شئون نبوی است، یا دوره جدید و متفاوتی با دوره نبوت؟ در هر صورت، با باور به نبوت، نیاز به امام از چه جنبه‌هایی مطرح است؟ آیا ملازمه‌ای میان نبوت و امامت هست یا نه؟
 ثالثاً: در محور سوم (اجتهاد)، نسبت اجتهاد با خاتمیت از یک سو و اجتهاد با دوره غیبت از سوی دیگر، تبیین شود و روشن گردد که چه تلقی‌ای از اجتهاد می‌تواند هم مقوم خاتمیت باشد و هم سازگار با اصل امامت و نیاز به امام بعد از نبی، به ویژه آن‌که در دوره غیبت بتواند بدون مخدوش کردن نیاز به امام، عهده‌دار پاسخ‌گویی به نیازهای بشر و ضامن استمرار هدایت الهی در دوره عدم دست‌رسی به نبی و امام باشد.

معرفی فصل‌های کتاب

برای نیل به چنین مقصودی، در فصل نخست کتاب پیش رو، به بررسی ادله اثبات نبوت از منظر حکما و متکلمان پرداختیم، تا در برتو تبیین فلسفه نبوت، وجه نیازمندی انسان به دین و میزان و گستره این نیازمندی آشکار گردد.
 در فصل دوم، با استناد به آنچه در ادله نبوت آمده است، حداکثری بودن قلمرو دین به اثبات می‌رسد. در این فصل با بررسی تحلیلی و نقد تلقی‌های اقلی از دین و تبیین مبانی باور به دو نگرش: حداقلی و حداکثری، بر لزوم اتخاذ نگرش حداکثری، تأکید و دلایل نیاز حداکثری به دین بیان می‌گردد، سپس لوازم نیاز حداکثری به دین در پنج محور: کمال حداکثری، جوهره حداکثری دین، اجتهاد حداکثری و سعادت حداکثری تحلیل و تبیین می‌شود.

در فصل سوم، تلاش نگارنده آن است که با چنین تلقی از نیازمندی بشر به دین، در پدیده خاتمیت تأمل کند و بیان دارد چه تفسیر و نظریه‌ای می‌تواند در باب خاتمیت با باور به نیاز حداکثری به دین سازگاری داشته باشد. بدین منظور به بررسی

نظریات اقبال، شریعتی و مطهری در خصوص مناظ و ملاک خاتمیت می پردازد و رکن اصلی و وجه مشترک آن‌ها را که نظریه «بلوغ عقلی بشر» است بررسی و نقد می‌کند.

در این نقد و بررسی آشکار می‌گردد که چه بر پایه تلقی اقبال که بلوغ عقلی را به معنای بی‌نیازی از حجّت بیرونی می‌داند و چه بر پایه تلقی شهید مطهری که بلوغ عقلی را فهم دین و توان اجتهاد دینی تفسیر می‌کند، در هر دو صورت، نظریه بلوغ عقلی در مقام دلیل و ملاک خاتمیت، با شواهد و قرائن و واقعیت‌های تاریخی، نه اثبات می‌شود و نه باور به نیازمندی حداکثری بشر به دین سازگاری دارد. بنابراین، هم از حیث ادب و هم از نظر باورهای دینی، این نظریه بی‌اعتبار است. در نتیجه، نظریه اجتهاد نیز به از طرف اهل سنت برای برون‌شدن از مشکل خاتمیت ارائه گردیده است، در اصل پذیرفتنی نخواهد بود.

گفتنی است باور به اجتهاد، کثرتی ندارد و ضرورت‌های دوره خاتمیت است، اما چنین اجتهادی اگر منقطع از حجّت خدا باشد، هرگز نمی‌تواند جمیع نیازهای بشری را به شریعت خاتم پاسخ گو باشد.

از بررسی‌های فصل سوم چنین به دست می‌آید که بنا بر نیاز حداکثری بشر به دین، از آن‌جا که همه احکام مورد نیاز جامعه بشری به سنت نبوی مکرم اسلام ﷺ در طی مدت محدود رسالت، به طور کامل تبیین و تفصیل نشده است، امت اسلامی و بشر نیز بعد از پیامبر گرامی تاکنون به چنان درجه‌ای از بلوغ عقلی دست نیافت که بتواند پاسخ شایسته و صحیح نیازهای گسترده و دائم التجدد خویش را از نصوص دینی (کتاب و سنت) به طور متفق و همه جانبه استخراج نماید. بنابراین، لازم است بعد از نبی خاتم ﷺ همواره کسانی که میراث‌دار علوم نبوی و حاملان علم کتاب الهی اند در میان امت باشند تا فلسفه نبوت مخدوش نگردد و راه برای بهره‌مندی بشر از بالاترین سطح هدایت همواره مفتوح بماند.

بنابراین، سرّ خاتمیت و دلیل پایان یافتن نبوت را باید در امری یافت که موجب حفظ شریعت و استمرار هدایت الهی و ضامن بهره‌مندی کامل و متقن و همه‌جانبه بشر از آموزه‌های الهی و شریعت خاتم باشد. از آن‌جا که چنین امری جز در پرتو وجود انسان کامل تحقق‌یافتنی نیست، پس سرّ خاتمیت چیزی جز ظهور سلسله‌ای متصل از انسان‌های کامل بعد از نبی مکرم اسلام نخواهد بود؛ کسانی که به تفصیل ظاهری و باطنی کتاب خدا و سیره پیامبر خاتم آگاهی کامل داشته باشند و در مرتبه‌ای از سداد و صلاح و مصونیت از خطا قرار گیرند که توسط نبی مکرم و قرآن کریم حجت خداوند بر مردمان مسبین و مرجع نهایی شریعت خاتم معرفی شوند.

فصل چهارم به تبیین عمیق‌تری از سرّ خاتمیت بر پایه سازوکار فهم متون مقدس، به ویژه قرآن کریم می‌پردازد. در این فصل کوشیده‌ایم با برشمردن ویژگی‌های متون مقدس و تمایز بارز آن‌ها با دیگر متون انص و نارسایی تحلیل‌های عام هرمنوتیک معاصر به ویژه، هرمنوتیک فلسفی را آشکار کنیم و از منظرهای مغفول و جدیدی در حوزه فهم متون مقدس پرده برداریم.

حاصل فصل این است که چون متون وحیانی بر معانی عالی و مراتبی از معنا مشتمل‌اند که بسیار فراتر از فهم عصری آدمیان و دریافته‌های متعارف آن‌هاست، اقتضای درک چنان معانی برتری، ترفع وجودی و تعالی شخصیت فرد تا سرحد عصمت و طهارت روحی، روانی و هم‌سنخی کامل با عوالمی است که معانی قدسی از آن‌جا نشئت یافته است؛ یعنی عالی‌ترین مراتب هستی که نهایتاً به ذات حضرت حق منتهی می‌گردد. بدیهی است چنین ترفع وجودی و طهارت ذاتی تنها شایسته، زبینه و قابل انتساب به وجود انسان کامل است و نه وجودی دیگر.

از این رو، به رغم آن‌که همه بشر می‌توانند به قدر تلاش علمی و معنوی خود مراتبی از کتاب مقدس را دریابند، اما فهم موثق و اطمینان‌آفرین این متون همواره نیازمند بهره‌مندی و ولایت‌پذیری از کسانی است که به مراتب برتر و عالی از کلام

الهی دست‌رسی دارند و ابواب معانی قدسی بر آنان گشوده است و مخاطب اصلی وحی و محل و محط نزول آن هستند.

بر این اساس، بقا و حفظ حقایق و معارف قرآن کریم بعد از وفات رسول گرامی اسلام ﷺ، تنها در گرو وجود چنین انسان‌هایی است؛ کسانی که در مهد وحی و در دامن رسول گرامی و تحت تربیت ویژه ربوبی، سیر کمالی وجود خود را طی کرده و به چنان ظرفیت وجودی دست یافته‌اند که حامل کتاب خدا و آگاه به جمیع تفصیلات معنایی عاقلی و باطنی قرآن کریم شده‌اند.

در فصل پنجم به تأمل در مقامات و شئون رسول اسلام ﷺ نسبت به قرآن کریم می‌پردازیم؛ یعنی مقام تنزیل، مقام تبیین و مقام تأویل. گرچه با پایان یافتن و اتمام وحی، مقام تنزیل نیز پایان می‌یابد، تا زمانی که بشر به وحی آسمانی و قرآن کریم نیازمند است، ضرورت دردمند تبیین و تأویل ادامه یابد، زیرا بدون تبیین و تأویل، درک بشر از ظواهر آیات، بسیار نازل، محقق سطحی، محدود و مقید به فهم عصری و نسبی خواهد بود.

بهره‌مندی فراوان از قرآن کریم و نقش حداکثری داشتن دین در زندگی بشر، مستلزم داشتن فهم حداکثری از قرآن کریم است که این فهم از قرآن جز برای انسان کامل و از طریق ایشان امکان‌پذیر نیست. بر این اساس، با دستور اثبات این‌که امامت، ملاک و مناط اصلی خاتمیت است به سه دلیل ویژه اشاره می‌شود که عبارتند از: بقا و حفظ وحی، تبیین و دلیل تأویل.

در فصل ششم و نهمی این اثر، برای روشن شدن تلقی شیعه در دوره غیبت، تحلیل جدیدی از اجتهاد ارائه می‌شود که دقیقاً بر مبنای سازوکار فهم متون مقدس و شیوه‌ای از فهم و تفسیر است که در فصول چهارم و پنجم از آن سخن گفتیم.

در این فصل، منظر جدیدی در عرصه هرمنوتیک گشوده می‌گردد که راه برون شد از تاریخی بودن فهم، رهایی و نجات از چرخه و دور هرمنوتیکی و راه یافتن مفسر به

ساحت هستی و واقعیت و فهم فراتاریخی از متون مقدس را نشان می‌دهد. این راه بر پایهٔ باور به امور ذیل عرضه می‌گردد:

۱. هویت و سرشت مشترک انسانی؛
۲. سطوح متفاوت داشتن فهم آدمی؛
۳. مراتب داشتن واقعیت خارجی (باطن و غیب باوری دربارهٔ واقع)؛
۴. مراتب داشتن معنا و حقیقت متن (باطن و غیب باوری دربارهٔ متن و معنا)؛
۵. امکان ارتباط و اتصال وجودی و باطنی میان مفسر و واقعیت، یا مفسر و مؤلف (تجربهٔ اتحادی با مؤلف).

بر اساس چنین باوری از بازار کار فهم در متون مقدس، در پایان فصل ششم، مسئلهٔ ولایت به مثابهٔ محور و اساس فهم قرآن و به طور کلی، اجتهاد دینی معرفی می‌شود. ولایت به معنای رشتهٔ اتصال کرم، روحی، باطنی و وجودی میان مفسر و مجتهد و متفقه در دین با متولیان حقیقی در انبویان کامل دین؛ یعنی وجود مقدس پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و اوصیای ایشان از امامان معصوم علیهم السلام است. با چنین تلقی‌ای از شرایط و لوازم فهم متون مقدس است که دورهٔ غیبت نمی‌تواند صرفاً بر باور شیعه به ضرورت وجود امام برای حفظ و تبیین و تبلیغ شریعت در دوران غیبت ظاهری امام باشد و باور به اجتهاد دینی نیز نمی‌تواند معارض باور به استمرار حجیت و امامت در دوران بعد از وفات رسول اکرم صلی الله علیه و آله تلقی گردد، بلکه بر عکس، تنها با اجتهاد قابل وثوق از متون دینی در دوران خاتمیت، وجود امام معصوم و ارتباط ولایتی با ایشان خواهد بود.

ابعاد نوآوری اثر

این اثر مشتمل بر دیدگاه‌ها و تحلیل‌های جدید در حوزهٔ مسائل فلسفهٔ دین و معرفت دینی است که مهم‌ترین آن‌ها، بحث اصلی کتاب؛ یعنی سرّ، یا مناظ و ملاک

بودن امامت برای خاتمیت است. در عموم آثاری که تاکنون در پاسخ به شبهه تعارض امامت با خاتمیت عرضه شده است، عموماً تلاش بر اثبات عدم تعارض و نهایتاً اثبات سازگاری این دو باور بوده است، در حالی که در نوشتار پیش رو تمامی مباحث، حول اثبات تلازم خاتمیت با امامت است، به گونه‌ای که می‌توان به استناد باور عمومی مسلمانان به خاتمیت، مهم‌ترین دلیل بر اثبات حقانیت امامت را اقامه کرد.

از جمله مباحث جدید و نوآورانه دیگر کتاب، می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد:

● استناد بر اثبات ضرورت نیازمندی دایمی بشر به دین بر مبنای دلیل «تریت

روحی و منوی انسان»

● اثبات نیازمندی انکس به دین بر اساس ادله نبوت؛

● تبیین مبانی نظری گرایش حداقلی و حداکثری به دین؛

● ارائه ادله حداکثری بودن دین در زندگی انسان؛

● بیان لوازم نیاز حداکثری به دین؛

● تبیین حداکثری بودن اجتهاد در دین؛

● تبیین حداکثری بودن سعادت که دین در آن آشاست؛

● تبیین نسبت میان سعادت دنیوی و سعادت اخروی؛

● نقد نظریه بلوغ عقلی به عنوان مناط خاتمیت؛

● تبیین سازوکار فهم متن؛

● ارائه تفاوت‌های اصولی میان متون مقدس و وحیانی با متون بشری؛

● بیان ادله ملاک بودن امامت برای خاتمیت بر پایه ویژگی‌های فهم متون وحیانی

(حفظ، تبیین، تأویل)؛

● ارائه مدل جدید برای تفسیر متن بر اساس ولایت و روابط ولایی میان مؤلف و

مفسر؛

● تبیین محور و اساس بودن ولایت در فهم قرآن کریم.